

مقاله پژوهشی

بازاندیشی حقوق زن در اسلام با تأکید بر خوانش «فتح‌الله گولن»

محمد صابر افشاریان^۱، علی اصغر داودی^{۲*} و حمید سعیدی داودی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

چکیده: مقاله حاضر به روند بازاندیشی حقوق زنان در اسلام با تأکید بر اندیشه‌های فتح‌الله گولن متفکر اهل ترکیه می‌پردازد. ابتدا دو رویکرد کلان اسلام سنت‌گرا که مبتنی بر تفسیرهای محافظه‌کارانه از جایگاه زن در شریعت اسلامی است، و اسلام نواندیش که به دنبال بازتفسیر مفاهیم اسلامی در راستای برابری جنسیتی است، بررسی شده و سپس، اندیشه‌های فتح‌الله گولن به عنوان رویکردی میانه نسبت به حقوق زنان مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. پرسش اصلی این است که برداشت گولن از حقوق زنان چه تفاوتی با دو رویکرد سنتی و مدرنیستی دارد و تا چه حد این مدل می‌تواند برای حل چالش‌های موجود در جوامع اسلامی راهگشا باشد؟ مقاله حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است و به شیوه تحلیل مضمون داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گولن با ارائه قرائتی اعتدالی از اسلام، بر اهمیت آموزش زنان، نقش فعال آنان در جامعه، و تفکیک میان اصول ثابت دین و برداشت‌های تاریخی تأکید دارد. او در عین حال که از برخی ارزش‌های سنتی حمایت می‌کند، خواستار اصلاح در نگرش‌های رایج نسبت به زنان در جوامع اسلامی است. رویکرد گولن نه تنها راهی برای سازگاری ارزش‌های اسلامی با مفاهیم مدرن حقوق زنان ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند به کاهش تنش‌های میان سنت و مدرنیته در جوامع اسلامی کمک کند. این مقاله با بررسی این دیدگاه، امکان‌پذیری تحقق حقوق زنان در چارچوب اسلامی را از منظری نو بازخوانی می‌کند.

واژگان اصلی: اسلام سنتی، نواندیشی دینی، جنبش خدمت، حقوق زن، «فتح‌الله گولن»، ترکیه.

^۱ . دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

m.saberafsharian@iau.ac.ir

^۲ . گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول).

Ali.Davoudi@iau.ac.ir

^۳ . گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ha.saeedijavadi@iau.ac.ir

مسأله حقوق زنان و برابری جنسیتی همواره یکی از مباحث کلیدی و مناقشه‌برانگیز در حوزه دین، اندیشه سیاسی و حقوق بشر در جوامع اسلامی بوده است که در طول تاریخ، تحت تأثیر تفاسیر مختلف از متون دینی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفته است. از یک سو، متون دینی شامل قرآن و حدیث، اصولی را درباره حقوق، جایگاه و وظایف زنان ارائه داده‌اند که در طول تاریخ، تفسیرهای متفاوتی از آنها شده است. از سوی دیگر، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دوران مدرن، باعث شده است که این متون در پرتو مفاهیم جدید مانند برابری جنسیتی، حقوق بشر و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، مورد بازخوانی قرار گیرد. این بازخوانی به شکل‌گیری جریان‌هایی نوینی در میان اندیشمندان مسلمان انجامیده که هر یک در تلاش‌اند قرائتی نوین، متناسب با مقتضیات زمان، از تعالیم اسلامی ارائه دهند.

در یک سوی این طیف، بسیاری از علمای سنتی مسلمان قرار دارند که با تکیه بر تفاسیر کلاسیک از متون دینی، بر تفاوت‌های حقوقی و نقش‌های جنسیتی تأکید می‌نمایند، که در بسیاری از موارد، منجر به محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زنان شده است. در سوی دیگر آن، اندیشمندان مسلمان نوگرا قرار دارد که با نقد قرائت‌های سنتی، بر لزوم بازخوانی متون دینی و سازگاری آموزه‌های اسلامی با ارزش‌های مدرن تأکید دارند. اینها تلاش می‌کند میان تعالیم اسلام و حقوق زنان پیوندی برقرار کند که هم با اصول دینی سازگار باشد و هم با عدالت جنسیتی همخوانی داشته باشد. با این حال، این جریان به دلیل گرایش‌های تفسیری متفاوت و عمدتاً متأثر از برداشت‌های معرفت‌شناسانه غربی، در معرض انتقادهای گسترده‌ای از سوی علمای سنتی و حتی برخی نواندیشان دینی قرار گرفته است.

در میانه این دو رویکرد کلان، رویکرد سومی متأثر از سنت اخلاقی-عرفانی صوفیسم که دل‌مشغول سعادت روحی و روانی انسان‌هاست، موسوم به "اسلام میانه‌رو" وجود دارد که راهکار متعادل‌تری را برای خروج از چالش‌های موجود و تلائم میان دو رویکرد فوق ارائه

داده است. این دیدگاه نه به تمامه رویکرد سنتی در مورد حقوق زن را می‌پذیرد، و نه به طور کامل به فرائت‌های مدرنیستی از آن تن می‌دهد، بلکه تلاش دارد با بهره‌گیری از اصول اخلاقی و معرفتی اسلام، تعادلی میان سنت و مدرنیته ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین متفکرانی که در این چارچوب قرار می‌گیرد، فتح‌الله گولن^۱، اندیشمند و واعظ مسلمان مشهور اهل ترکیه است. در این مقاله تلاش خواهیم کرد ضمن اشاره مختصر به رویکردهای سنتی و مدرنیستی از اسلام درباره حقوق زنان، اندیشه‌های گولن و جنبش منتسب به وی، موسوم به "جنبش خدمت"^۲ را مورد واکاوی، بحث و تحلیل قرار دهیم.

از این رو پرسش اصلی مقاله حاضر این است که برداشت میانه‌روانه فتح‌الله گولن از حقوق زنان چه تفاوتی با دو رویکرد سنتی و مدرنیستی دارد و تا چه حد این مدل می‌تواند برای حل چالش‌های موجود در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد گولن با تأکید بر مفاهیمی همچون عدالت، رحمت و اجتهاد مستمر، تفسیری نوین از حقوق زنان در اسلام ارائه داده که در آن، زنان و مردان به عنوان مکمل یکدیگر در اجتماع دیده می‌شوند. او ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، بر ضرورت فراهم کردن فرصت‌های برابر برای زنان در آموزش، سیاست، اقتصاد و اجتماع تأکید می‌کند. وی همچنین از مشارکت فعال زنان در عرصه‌های عمومی حمایت کرده و بر اهمیت نقش آنان در تربیت نسل‌های آینده و توسعه جوامع اسلامی تأکید دارد. بنابراین، رویکرد وی نه مانند رویکرد سنتی از چنان تصلبی برخوردار است که نتواند با مقتضیات زمانه تناسب پیدا کند، و نه مانند رویکرد مدرنیستی آنچنان موسع است که در دامن تفسیرهای غربی مآبانه از حقوق زنان گرفتار آید.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که رویکرد میانه نه در گسست کامل از سنت قرار دارد و نه بیگانه با ارزش‌های مدرن. چنین اندیشه‌هایی که مبتنی بر آموزه مدارا، گفت‌وگوی

^۱ . Fethullah Gülen

^۲ . Hizmet Movement

بین‌الادیانی و بازخوانی اجتهادی اسلام است، می‌تواند الگویی برای جوامع اسلامی در جهت تحقق حقوق زنان بر اساس مبانی دینی و مقتضیات مدرن فراهم آورد و به درک بهتر از ظرفیت‌های اسلامی در حمایت از حقوق زنان کمک کند. به‌خصوص که دیدگاه‌های گولن درباره‌ی دین، جامعه و آموزش تأثیر زیادی بر جوامع اسلامی، به‌ویژه در ترکیه و دیگر کشورهای ترک زبان داشته است. در این مقاله پس از تشریح روش‌شناسی، ابتدا مروری اجمالی بر دو رویکرد سنتی و نوگرا به حقوق زن در اسلام خواهیم داشت و سپس به بررسی، واکاوی و تحلیل دیدگاه فتح الله گولن درباره حقوق زن در اسلام می‌پردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر ماهیت، کیفی و توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و منابع اصلی پژوهش شامل کتاب‌ها و مقالات نواندیشان اسلامی که به‌طور مستقیم به موضوع زنان پرداخته‌اند؛ کتاب‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات فتح الله گولن که حاوی دیدگاه‌های وی درباره حقوق زنان، نقش آنها در اجتماع، و رابطه اسلام با مسائل جنسیتی است؛ و پژوهش‌های دیگران درباره اندیشه‌های گولن و رویکرد او نسبت به زنان، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به هدف اصلی ما در این مقاله، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی و به‌ویژه تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. این روش امکان شناسایی، استخراج و تحلیل الگوهای معنایی موجود در آثار نواندیشان اسلامی و گولن را فراهم می‌آورد. در اجرای این روش، ابتدا آثار ایشان برای درک کلی اندیشه‌های آنها درباره زنان مطالعه، سپس مفاهیم کلیدی مرتبط با حقوق زنان استخراج و دسته‌بندی شده و در آخر مضامین اصلی همچون «نقش زنان در اجتماع»، «عدالت جنسیتی در اسلام»، «ضرورت تحصیل زنان» شناسایی و به منظور ارائه تصویری جامع از رویکردشان به حقوق زنان، مورد

^۱. Thematic Analysis

بررسی قرار گرفته است. برای درک بهتر مواضع گولن درباره حقوق زنان، آرای وی با سایر رویکردهای اسلامی مورد مقایسه قرار گرفته و مفاهیمی مانند برابری جنسیتی، نقش زنان در اجتماع، تحصیل زنان، خانواده و دین مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. این رویکرد ترکیبی امکان تحلیل دقیق دیدگاه‌های گولن درباره حقوق زنان را فراهم کرده و جایگاه او را در گفتمان بازاندیشی اسلامی مشخص می‌کند.

رویکرد سنت‌گرا به حقوق زنان

سنت‌گرایی در اسلام به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها اشاره دارد که بر لزوم حفظ اصول، ارزش‌ها و احکام اسلامی بر اساس متون مقدس (قرآن و حدیث) و سنت پیامبر (سنت نبوی) تأکید دارد (ملکیان، ۱۳۹۰). این رویکرد، که در شاخه‌های مختلف فکری، اعم از فقهی، کلامی و اجتماعی تجلی یافته است، از تغییرات گسترده در آموزه‌های دینی، به‌ویژه در مواجهه با مدرنیته، پرهیز می‌کند. سنت‌گرایان معمولاً بر این باورند که احکام اسلامی دارای چارچوبی ثابت و تغییرناپذیر هستند که باید بدون دخل و تصرف اجرا شوند (وسمقی، ۱۳۵۷). از این منظر، حقوق زنان نیز در قالب نقش‌های از پیش تعیین‌شده، مانند همسر، مادر و مربی نسل آینده، تعریف شده است و هرگونه تلاش برای تغییر این نقش‌ها به منزله بدعت یا انحراف از آموزه‌های اسلامی تلقی می‌شود. رویکرد سنت‌گرا به حقوق زنان در اسلام معمولاً بر اساس خوانشی محافظه‌کارانه از متون اسلامی شکل گرفته و بر تفاوت نقش‌های جنسیتی و وظایف زنان و مردان در جامعه تأکید دارد (احمد، ۲۰۱۲). این رویکرد، که به طور گسترده در جوامع اسلامی اعمال شده است، غالباً به محدودیت‌هایی برای زنان در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر شده و همواره مورد نقد از سوی علمای نوگرا، متفکران نواندیش و فعالان حقوق زنان قرار داشته است. در این رویکرد حقوق زنان عمدتاً بر سه پایه اصلی استوار است:

۱- نص‌گرایی و تفسیر محافظه‌کارانه از متون دینی: سنت‌گرایان با استناد به آیاتی از قرآن و روایات، بر این باورند که اسلام چارچوب مشخصی را برای روابط میان زنان و مردان تعیین

کرده است. آیاتی مانند آیه ۳۴ سوره نساء^۱ به عنوان یکی از اصلی‌ترین مستندات برتری مردان در حوزه سرپرستی خانواده ذکر می‌شود. از این منظر، احکام مربوط به حجاب، دیه، شهادت و ارث نیز به عنوان شاخص‌های تفاوت حقوقی میان زنان و مردان مطرح شده و این تفاوت‌ها عادلانه و مطابق با طبیعت انسانی تلقی می‌شود (وسمقی، ۱۳۵۷، ۲۳).

۲- تقسیم‌بندی نقش‌های جنسیتی: سنت‌گرایان معتقدند که زنان و مردان دارای ویژگی‌های فطری و طبیعی متفاوتی هستند که سبب می‌شود نقش‌های متفاوتی در جامعه ایفا کنند (مطهری، ۱۳۶۲). بر این اساس، نقش اصلی زنان در خانه و خانواده تعریف شده و وظایف اجتماعی و اقتصادی بیشتر به مردان واگذار می‌شود. این تقسیم‌بندی به گونه‌ای است که زنان را به وظایف مادری، همسری و تربیت فرزندان محدود می‌کند، در حالی که مردان مسئولیت‌های مدیریتی، قضایی و اقتصادی را بر عهده دارند (مهرپور، ۱۳۷۹، ۵۶).

۳- در تفکر سنتی "عدالت استحقاقی" جان‌مایه احکام شرعی در حوزه حقوق زنان و شرط لازم و کافی استیفای حقوق زنان محسوب می‌شود. از این منظر، حقوق زنان به نحو جامع و مانع در احکام شرعی رعایت شده است. زن در فطرت و آفرینش از ظرفیت‌های خاصی برخوردار است که متناسب با وظیفه خطیر مادری و تربیت فرزند از عواطف و احساسات بیشتر برخوردار است و وضعیت بدنی و روانی نوع زن تناسبی با وظایف سنگین اجتماعی از قبیل زمامداری، قضاوت، امامت و مرجعیت ندارد. تفاوت حقوقی زن و مرد عین عدالت است و حقوق کمتر او در مسأله طلاق، حضانت، ارث، دیه، شهادت، قصاص، تمکین و... به معنای ظلم به زن محسوب نمی‌شود، بلکه با نفقه و مهریه و برداشتن تکلیف جهاد و جمعه و برخی عبادات در زمان قاعدگی به زن ارفاق نیز شده است. بنابراین در آیات قرآن و روایات معتبر و فتاوی فقها که احکام دائمی و ثابت اسلام هستند حقوق زن بطور کامل

^۱ . الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...

رعایت شده است؛ مهم استنباط دقیق از کتاب و سنت در چارچوب اجتهاد در فروع است (کدیور، ۲۰۰۴، ۳۴).

رویکرد سنتی به حقوق زنان تأثیرات گسترده‌ای بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در جوامع اسلامی داشته است. در برخی کشورهای اسلامی، دسترسی زنان به برخی رشته‌های دانشگاهی یا مشاغل خاص به دلایل فقهی و فرهنگی محدود شده است (احمد، ۲۰۱۲). قوانین مدنی در بسیاری از کشورهای اسلامی که بر اساس فقه سنتی تنظیم شده‌اند، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم حقوق زنان را محدود کرده‌اند. برای مثال، در برخی کشورها، شهادت یک زن در دادگاه معادل نصف شهادت یک مرد محسوب می‌شود. برخی تفاسیر سنتی از اسلام، به‌ویژه در زمینه روابط خانوادگی، به تداوم خشونت علیه زنان دامن زده است. برای مثال، برخی از سنت‌گرایان حق تنبیه زن را برای شوهر مجاز دانسته و آن را به عنوان ابزار اصلاح در خانواده توجیه می‌کنند (یزدخواستی، ۱۳۷۲، ۶۷).

به دلیل ایجاد محدودیت‌های فوق، این رویکرد همواره با نقدهای گسترده‌ای از سوی نواندیشان دینی و اندیشمندان مدرن مواجه بوده است. منتقدان معتقدند که بسیاری از احکام مربوط به زنان، متناسب با شرایط اجتماعی صدر اسلام بوده و نمی‌توان آن‌ها را بدون توجه به تغییرات اجتماعی به کار بست. بسیاری از احکام مربوط به زنان بر اساس تفاسیر فقهی مردان تدوین شده است و مشارکت زنان در تولید این دانش اندک بوده است (مرادی، آذر ۱۳۷۸). برخی از محققان اسلامی مانند فضل‌الرحمن و آصف بیات معتقدند که قرائت سنتی از حقوق زنان با اصول کلی اسلام، همچون عدالت و کرامت انسانی، در تضاد است (بنگرید به: داودی، حاجی وثوق، پاییز ۱۴۰۲، ۴۴).

رویکرد نوگرایانه به حقوق زنان

در میان طیف گسترده نوگرایان دینی در جهان اسلام، دو جریان فکری مهم "نواندیشی دینی" و "فمینیسم اسلامی"، بیش از دیگران در تلاش بوده‌اند تا تفسیری جدید از حقوق زنان ارائه دهند که از نظر اینها هم با مبانی اسلامی همخوانی داشته باشد و هم به تحقق

برابری جنسیتی کمک کند. رویکرد نواندیشی دینی، برخلاف سنت‌گرایی، به تغییرپذیری احکام فقهی بر اساس مقتضیات زمان و مکان باور دارد و سعی می‌کند تفسیرهای جدیدی از متون دینی ارائه دهد (علوی‌تبار، ۱۳۷۸، ۱۳). از سوی دیگر، فمینیسم اسلامی به عنوان یک جنبش فکری و اجتماعی، به دنبال نقد ساختارهای مردسالارانه در تفسیر اسلام و ارائه خوانشی برابری‌طلبانه از متون دینی است (هدایت زاده، ۱۳۹۷، ۱۴۵).

نواندیشی دینی به جریان فکری‌ای اشاره دارد که تلاش می‌کند آموزه‌های دینی را با تحولات اجتماعی و علمی هماهنگ کند. مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد عبارتند از: پویایی اجتهاد، تفکیک دین از سنت و برابری انسان‌ها در کرامت (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۲۳). نواندیشان دینی معتقدند که اجتهاد باید به گونه‌ای باشد که بتواند با مقتضیات زمان تطبیق یابد. به این معنا که قوانین مربوط به زنان نباید بر اساس شرایط صدر اسلام، بلکه بر اساس نیازهای جوامع مدرن تفسیر شوند. در عین حال آنها تأکید دارند که اسلام، کرامت انسانی را برای همه انسان‌ها بدون تفاوت جنسیتی به رسمیت می‌شناسد و بنابراین باید قوانین اسلامی نیز بر همین اساس بازنگری شوند (فناپی، ۱۳۹۵، ۷۸).

اندیشمندانی مانند فضل‌الرحمن اندیشمند پاکستانی الاصل، محمد مجتهد شبستری، عبدالکریم سروش و نصر حامد ابوزید با بررسی دوباره متون اسلامی، تفسیری جدید از حقوق زنان ارائه داده‌اند. آنها مفهوم "قوامیت" در آیه ۳۴ نساء را مورد بازاندیشی قرار داده و بر این باورند که قوامیت در این آیه به معنای سرپرستی مطلق مردان بر زنان نیست، بلکه اشاره به مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی مردان در جامعه‌ی قبیله‌ای صدر اسلام دارد که می‌تواند در دوران معاصر بازتعریف شود (ابوزید، ۱۳۹۷، ۲۲). نواندیشان بر این باورند که نابرابری در احکام ارث و شهادت زنان، ناشی از شرایط تاریخی خاص زمان نزول این احکام بوده و امروز باید با در نظر گرفتن اصل عدالت مورد بازبینی قرار گیرد (ارکون، ۱۳۹۲). برخلاف تفاسیر سنتی که زنان را از مناصب سیاسی منع می‌کنند، نواندیشان دینی تأکید دارند

که اسلام هیچ محدودیتی برای حضور زنان در سیاست قائل نشده و مثال‌هایی مانند ملکه سبا در قرآن، نشان‌دهنده مشروعیت حضور زنان در عرصه حکمرانی است (کدیور، ۱۳۸۲).

به رغم وجود تشابهاتی بین نواندیشی اسلامی و فمینیسم اسلامی، برخی تفاوت‌ها نیز بین آنها وجود دارد. رویکرد نواندیشی دینی و فمینیسم اسلامی هر دو در تلاش هستند تا تفاسیر مردسالارانه از اسلام را به چالش بکشند و حقوق برابر برای زنان را در چارچوب دین ارائه دهند. نواندیشی دینی بیشتر بر اصلاح تدریجی قوانین از طریق اجتهاد تأکید دارد، در حالی که فمینیسم اسلامی به دنبال بازخوانی کلی متون از منظر زنان است. در نهایت، هر دو رویکرد نشان می‌دهند که اسلام می‌تواند با تحقق عدالت جنسیتی همخوان باشد، مشروط بر اینکه تفاسیر آن با توجه به مقتضیات زمان بازنگری شوند. مقایسه این دو جریان نوگرا در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: تفاوت‌ها و شباهت‌های نواندیشی دینی و فمینیسم اسلامی

موضوع	نواندیشی دینی	فمینیسم اسلامی
هدف	اصلاح تفاسیر اسلامی به نفع زنان	تحقق برابری جنسیتی در چارچوب اسلام
روش‌شناسی	اجتهاد پویا و تفاسیر نوین	بازخوانی متون از منظر زنان
نگاه به احکام سنتی	قابل تغییر در شرایط جدید	نیازمند بازنگری کامل
نقش دین	دین را منبع عدالت می‌داند اما نیازمند تفسیر جدید	معتقد به سازگاری اسلام با برابری جنسیتی
برخورد با فقه سنتی	پذیرش برخی مبانی فقهی با اصلاح تدریجی	نقد ساختارهای مردسالارانه فقه

حقوق زنان در رویکرد فتح الله گولن به اسلام

مناظرات فکری در ترکیه در مورد جایگاه زنان در اسلام، تفاوتی چندانی با سایر نقاط جهان اسلام ندارد. فمینیسم و نقدهای وارد بر آن همواره موضوع بحث‌های فراوان در بین روشنفکران ترک بوده است. ایدئولوژی فمینیستی عمدتاً توسط روشنفکران ترک سکولار ارائه شده که استدلال می‌کردند اسلام، به عنوان ره‌آوردی عربی، زنان را به عنوان موجودات درجه دوم مورد سرکوب قرار داده و هرگز با شیوه زندگی ترکی سازگار نبوده است. از دید آنها اسلام مانع اصلی پیشرفت ترکیه مدرن و مانع حضور زنان ترک در عرصه عمومی محسوب می‌شود. در پاسخ به این دسته از فمینیست‌ها، اسلام‌گرایان محافظه‌کار استدلال‌های مرسوم خود مبنی بر اینکه اصول اسلامی بی‌تردید منطقی بوده و مسلمان‌ها باید آنها را به طور کامل رعایت کنند، را ارائه کرده‌اند. در میانه این دو نگاه افراط و تفریط، گولن و جنبش منسوب به وی موسوم به "جنبش خدمت" دیدگاه میانه‌روانه‌ای در مورد حقوق زنان ارائه کرده‌اند که در این قسمت از مقاله بدان می‌پردازیم. اما قبل از آن، لازم است مختصر نگاهی بیانداریم به سوابق وی و نیز خوانشی که از اسلام ارائه داده است.

پیشینه جنبش گولن

فتح‌الله گولن در سال ۱۹۴۱ در روستای قوروچوک^۱، نزدیکی ارزروم^۲ در شرق ترکیه، متولد شد. او در خانواده‌ای عمیقاً مذهبی پرورش یافت. هرچند تحصیلات رسمی چندانی نداشت، اما مطالعات مذهبی او جامع و گسترده بود. نخستین بار در سال ۱۹۵۹ به‌عنوان یک مبلغ دولتی در آدرنه^۳ منصوب شد و تا سال ۱۹۸۱، به‌عنوان مبلغ و معلم قرآن در شهرهای

^۱ . Korucuk

^۲ . Erzurum

^۳ . Edirne

مختلف غرب ترکیه فعالیت داشت. در طی این دوران، گولن پیروان زیادی جذب کرد و جنبشی را پایه‌گذاری نمود که امروزه به جنبش گولن یا "جنبش خدمت" شهرت دارد که برخی از آن به "گولنیسم" یاد می‌کنند. هسته اولیه این جنبش در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱، هنگامی که گولن در مدرسه قرآنی کستانه‌پازاری^۱ در ازمیر تدریس می‌کرد، شکل گرفت (See: Fougner, 2016).

او متأثر از نارضایتی عمیق از جامعه‌ای که آن را به دلیل نفوذ غرب منحرف‌شده می‌دانست، و با الهام از اندیشه اسلامی اهل سنت و ناسیونالیسم ترک - عثمانی، پروژه‌ای را برای پرورش "نسل طلایی" از "سربازان خدا" آغاز کرد که هدفشان "نجات جهان" در چارچوب اسلام بود. (Gülen, 1996, 19) برای تحقق این هدف، او حلقه‌های مطالعاتی، اردوهای تابستانی و خانه‌های جمعی برای دانشجویان جوان مذكر ایجاد کرد و آنان را ترغیب کرد که به‌عنوان معلم، هم در نقش آموزشی در مدارس، و هم معرفی اسلام از طریق سلوک زندگی خود، ایفای نقش کنند. موعظه‌های او به‌طور گسترده ضبط و منتشر شد. به دنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ و روی کار آمدن نظامیان و استقبال دولت جدید از "سنتز ترکی-اسلامی" و نیز "سیاست‌های نئولیبرالی"، گولن از پیروان تاجر خود خواست که سرمایه‌هایشان را به سمت آموزش خصوصی و رسانه‌ها سوق دهند تا از این طریق آگاهی اسلامی را در جامعه افزایش دهند (Fougner, 2016, 4).

فعالیت‌های جنبش گولن ابتدا محدود به ترکیه بود، اما پس از پایان جنگ سرد، به مناطق ترک‌نشین آسیای مرکزی و بالکان نیز گسترش یافت. امروزه، این جنبش از طریق شبکه گسترده‌ای از شرکت‌های تجاری، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های خیریه، مراکز گفت‌وگوی بین‌ادیانی و رسانه‌ها، حضوری جهانی دارد. گولن امروزه یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های در ترکیه، شخصیتی کلیدی در معرفی تجربه اسلام معاصر در گستره جهانی و نیز یکی از

^۱ . Kestanepazari

برجسته‌ترین علمای مسلمان در جهان شناخته می‌شود (Knowlton, 2011). برخی از تحلیلگران حتی جامعه پیروان او را "تأثیرگذارترین جنبش اسلامی جهان" می‌دانند (Hansen, 2010). تأثیر جنبش گولن بیش از هر جای دیگری در ترکیه نمایان بوده است؛ هرچند که این جنبش، به دلیل اختلافات شدید با "حزب عدالت و توسعه"^۱ که از سال ۲۰۰۲ قدرت را در ترکیه در اختیار دارد، در وضعیت نامعلومی قرار گرفته است.

خوانش گولنیسم از اسلام

برخی محققان فتح‌الله گولن را طرفدار اسلام "میان‌رو" معرفی کرده‌اند، اما خود وی با این تصور که اسلام‌های متفاوتی وجود دارد، چندان وافق نیست. او استدلال می‌کند که یک اسلام راستین وجود داشته و دارد که آنهم توسط پیامبر خدا محمد (ص) ارائه شده، و هر چیزی خارج از آن، به جز تفاسیر علمی که در تضاد آشکار با قرآن و سنت نباشند، خارج از قلمرو اسلام قرار می‌گیرد. اندیشه‌های گولن ترکیب ظریفی از اسلام محافظه‌کار سنتی و تفاسیر مدرن است. از یک سو، او از اشتیاق محافظه‌کاران برای حفظ اصول اساسی اسلام حمایت می‌کند، اما از سوی دیگر، معتقد است که با توجه به شرایط زمان و مکان، تفاسیر جدیدی از قرآن ضرورت دارد. تحلیل عمیق‌تر اندیشه‌های او نشان می‌دهد که او را نمی‌توان صرفاً یک "مدرنیست" معرفی کرد، چون از این واژه، فقدان مرجعیت "سنت" استنباط می‌شود (See: Keles, 2007). از نظر گولن، یک مسلمان باید گذشته و حال را مورد پرسش قرار دهد. با این حال، این کار باید به گونه‌ای انجام شود که نه با اصول اساسی قرآن و نه با سنت در تضاد باشد. گولن معتقد است که یک عالم، که قصد ارائه تفاسیر خاصی را دارد، باید توانایی ایجاد تعادل بین جنبه‌های تغییرناپذیر (اصول اساسی) و تغییرپذیر (تفاسیر) اسلام را داشته باشد (Unal and Williams, 2000, 53).

^۱ . Adalet ve Kalkınma Partisi (AKP)

از نظر گولن، رویکردهای محافظه‌کارانه و ساده‌انگارانه به اسلام که بر این باورند که اصول قرآن و سنت را باید همانطور که هستند اخذ و آنها را برای حل مشکلات در زندگی مردم به کار گرفت، با اصول اساسی اسلام در تضاد است. او تأکید می‌کند که چنین تلاش‌هایی مغایر با اصل جهان‌شمولی اسلام است که مستلزم استفاده از منطق خاص برای تفسیر قرآن و سنت با توجه به تغییرات در طول زمان است. زمان و شرایط ابزارهای مهمی برای تفسیر قرآن هستند. قرآن مانند گلی است که هر روز گلبرگ جدیدی را پرورش می‌دهد و به شکوفایی خود ادامه می‌دهد. برای کشف عمق آن و به دست آوردن جواهرات آن در لایه‌های عمیق‌تر، حداقل هر ۲۵ سال یکبار باید تفسیر جدیدی ارائه شود (Gülen, 2010).

بولاج و کلش استدلال کرده‌اند که گولن "ذوجناحین" (دارای دو بال) است، به این معنا که نه تنها بر دانش، منابع و روش‌شناسی اسلامی، بلکه بر علوم مدرن نیز تسلط دارد: "گولن شاید برجسته‌ترین نماینده ذوجناحین باشد... [او دارای] درک عمیق از علوم اسلامی؛ دانش عمیق از علم رجال در نقل حدیث؛ و درک کامل از اصول فقه اسلامی (اصول) است" (Bulaç, 2006, 101). تسلط گولن بر فلسفه‌های غربی، تاریخ، ادبیات و علم از طریق مراجعاتی که او به این رشته‌ها دارد آشکار می‌شود. دانش عمومی او در علوم طبیعی به او اجازه می‌داد تا در هنگام وعظ و استدلال، توجه مخاطب را به ترمودینامیک، نظریه انفجار بزرگ، اختربیزیک، نجوم، ریاضیات، فیزیک کوانتوم و زیست‌شناسی معطوف دارد (Keles, 2007, 686).

تفسیر گولن از اسلام در برخی موضوعات، روشی فردمحورانه از زندگی است که به جای جامعه، افراد را خطاب قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند که قرآن به مردم می‌آموزد که از قضاوت خود استفاده نکنند. این رویکرد بدین معنا نیست که گولن منادی نوعی فردگرایی لیبرالیستی است که آزادی تقریباً نامحدودی را برای افراد در نظر دارد، بلکه رویکرد فردمحور وی محدودیت‌های اخلاقی را بر افراد مد نظر دارد، زیرا همه چیز، از جمله بدن، امانت‌های مقدس الهی نزد انسان است و همه موظفیم از آنها به خوبی مراقبت کنیم. به علاوه، گولن

اصالت فرد در برابر جامعه که مورد نظر لیبرالیسم است را تأیید نمی‌کند. او جامعه را به عنوان یک پیکر ارگانیک در نظر می‌گیرد و پیشنهاد می‌کند افراد خود را در مسیر بهبودی جامعه قرار دهند (Kılınç, 2007, 136).

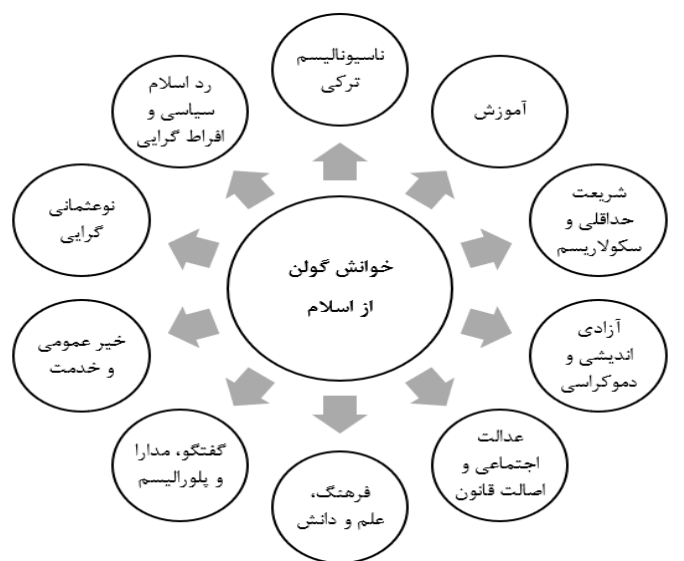
گولن هرگز به‌طور آشکار از ایده‌ها یا روش‌های سیاسی اسلام‌گرایان تندرو و حتی اسلام سیاسی حمایت نکرده است. او همواره از فعالیت‌های سیاسی مستقیم دوری جسته و در عوض، بر حوزه‌های آموزشی، رسانه‌ای، خدماتی، آکادمیک، رفاه اجتماعی و سلامت تمرکز کرده است. با این وجود، هنوز هم برخی او و جنبشش را محافظه‌کار، لیبرال و اسلام‌گرای سیاست‌گریز می‌دانند. گولن به نفوذ تدریجی در جامعه و دولت اعتقاد دارد. آموزه‌های گولن در تضاد آشکار با روش سیاسی گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین است که معتقدند تصرف مستقیم دولت و اجرای شریعت یک الزام دینی است. درحالی‌که اخوان المسلمین جهاد را نبردی سیاسی-نظامی می‌دانند، گولن تأکید می‌کند که جهاد یک مبارزه اخلاقی-معنوی است. تفسیر گولن از اسلام سکولار و پلورالیستی، واکنشی درون‌گفتمانی به جنبش‌های ضدسکولار اسلام‌گرایان ترکیه محسوب می‌شود (میراحمدی، منصور، رضایی‌پناه، امیر، زمستان ۱۳۹۴، ۹۷).

گولن همواره به اصول سکولاریسم پایبند بوده، اما در عین حال، در چارچوب اندیشه نوعثمانی‌گرایی خود، بر تاریخ ترکیه، به‌ویژه امپراتوری عثمانی، تأکید دارد. گولن معتقد است که ارزش‌های محوری قرن بیست‌ویکم شامل مدرنیسم، پلورالیسم، فردگرایی و دین هستند. برخی نظریه‌پردازان مدرنیته را فرآیندی جامع می‌دانند که گونه‌های جدیدی از پلورالیسم دینی، فرهنگی و سیاسی را پدید آورده است. مدرنیسم، همراه با جهانی‌شدن، موجب افزایش سلطه بشر بر محیط و گسترش دانش شده، اما درعین حال، فرصتی برای قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده تا سلطه خود را بازتولید کنند. (Gülen, 2009)

تمامی عناصر بنیادین گفتمان گولن از ایده "زندگی برای خدمت به خلق" سرچشمه می‌گیرد که بر امر به معروف، نهی از منکر، افزایش تقوا و مبارزه با فساد تأکید دارد. گولن

ویژگی‌های افراد وابسته به جنبش "خدمت" را چنین برمی‌شمرد: اعتقاد به هدف غایی، نوع‌دوستی، ایثار، مسئولیت‌پذیری، وقف و شجاعت. (Çelik, 2008:53)

به باور گولن، اسلام دارای اصول بنیادین زیر است: قدرت در راستی نهفته است و نباید آن را مبتنی بر زور دانست، عدالت و حاکمیت قانون ضروری هستند؛ آزادی اندیشه و حقوق اساسی افراد، ازجمله حق زندگی، مالکیت، فرزندآوری و سلامت، نباید نقض شود؛ امنیت فردی باید تضمین شود و هیچ‌کس نباید بدون دلیل محکوم یا به‌خاطر جرم دیگران مجازات شود و خلاصه نظام مشورتی در حکمرانی ضروری است. (Gülen, 2010)



دیاگرام ۱: خوانش گولن از اسلام

حقوق زنان در اندیشه گولن

در خصوص دیدگاه گولن نسبت به حقوق زنان و برابری جنسیتی، نگرش‌های متفاوتی میان حامیان و منتقدان وی وجود دارد. منتقدان با درنظرداشت باور و عملکرد پیروان گولن به تفکیک جنسیتی سخت‌گیرانه، محدودیت زنان به حوزه خصوصی و عدم حضور آنان در موقعیت‌های رهبری، اذعان دارند که روابط جنسیتی در جنبش گولن شدیداً مردسالارانه است. آنها معتقدند که "میان آنچه گولن آموزش می‌دهد و پذیرش رهبری او توسط جامعه، شکافی

وجود دارد... و او در مقایسه با جامعه خود، رویکردی عملی تر و پیشروتر دارد" (Fougnier, 2016). برخی منتقدان از "تناقض میان سخنان گولن و عملکرد برخی از پیروانش" سخن می‌گویند (Fougnier, 2016). اما حامیان اذعان دارند که گولن دیدگاه‌هایی "مترقیانه‌ای" در زمینه زنان و روابط جنسیتی دارد و حتی پا را فراتر گذاشته و او را "فمینیست" و "قهرمان حقوق زنان" توصیف کرده‌اند (Fougnier, 2016). چنین توصیف‌هایی از دیدگاه‌های جنسیتی گولن، که گویی با مفهوم لیبرالی از برابری جنسیتی مطابقت دارد، تاکنون چندان به چالش کشیده نشده است. اما به نظر می‌رسد که نه آنگونه که منتقدین گفته‌اند گولن مدافع یک نظام مردسالارانه و ضرورت سلطه طبیعی مردان بر زنان است، و نه آنگونه که حامیانش گفته‌اند وی فمینیست اسلامی و قهرمان حقوق زنان محسوب می‌شود.

گولن این استدلال را که زنان مسلمان باید از طریق سکولاریسم از اسلام رهایی یابند، نمی‌پذیرد. او معتقد است که سکولاریسم نه می‌تواند یک پروژه روشنگری باشد و نه می‌تواند به اصطلاح مردم سرکوب شده جهان اسلام را آزاد کند، زیرا در روح اسلام جایی برای سرکوب وجود ندارد. او سکولاریسم را به مثابه اصطلاحی حقوقی می‌داند که وضعیت دولت را در قبال دین تعریف می‌کند، لذا یک دولت می‌تواند سکولار باشد، اما یک فرد خیر. او بر این نکته تأکید دارد که اگر سکولاریسم به عنوان محرومیت حوزه اجتماعی و فردی از دین تلقی شود، این یک مغالطه‌ای بیش نخواهد بود. در واقع، هم سکولاریسم و هم دینداری می‌توانند در یک محیط دموکراتیک همزیستی داشته باشند و حوزه‌های همپوشانی از طریق تعیین حدود مسئولیت دولت و آزادی فردی تنظیم شود (Unal and Williams, 2000, 152).

در مورد حقوق زنان، گولن موافق است که در برخی از جوامع مسلمان، اسلام با آداب و رسوم محلی و سنت‌هایی که زنان را سرکوب می‌کند، آلوده شده، اما این بدان معنا نیست که نمایندگان غربی حقوق زن مبرا از هر عیبی هستند. او باور دارد که "اکثر قهرمانان حقوق و آزادی زنان فقط زنان را با لذت جسمی هیجان‌زده می‌کنند و سپس روح او را خنجر می‌زنند."

(Gülen, 2011, 137). گولن معتقد است که در غرب به اسم آزادی، زنان به عنوان وسیله لذت، سرگرمی و ابزار تبلیغاتی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و "آزادی"، صرفاً به آزادی جنسی تقلیل یافته است (Gülen, 2011, 138).

نگرش گولن به زن ایده‌آل مسلمان به عنوان کسی که آداب دیانت را رعایت می‌کند و راه خود را به سوی ارزش‌های جاودانه می‌گرداند، مانع از آن نیست که وی نتواند خارج از خانه کار کند. او مروج انزوای زنان در عرصه عمومی نیست، بلکه مشارکت آنان را در زمینه‌های خاصی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. از دید او تا زمانی که شرایط کاری برای زنان مناسب باشد، اسلام مانع اشتغال زنان نمی‌شود. وی مدعی است که چنین محدودیتی در زندگی زنان در جوامع مسلمان وجود ندارد؛ اگر هم وجود داشته باشد منشأ آن را در عرف محلی باید جستجو کرد، نه در اسلام (See: Andrea, 2006). در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا زنان می‌توانند مدیر باشند یا خیر، گولن پاسخ می‌دهد که هیچ دلیلی وجود ندارد که زنان مدیر نباشند؛ علاوه بر این، در فقه حنفی، به زنان اجازه داده می‌شد که قاضی باشند، زیرا درک و قضاوت بهتری در مورد مسائل مربوط به زنان خواهند داشت (Unal and Williams, 2000, 139). گولن استدلال می‌کند که در جوامع اسلامی که دین با آداب و رسوم غیر اسلامی آلوده نشده، زنان مسلمان از زندگی آزادانه‌ای برخوردارند و در زندگی روزمره مشارکت کامل دارند.

گولن با اشاره به پیشینه جوامع اسلامی تأکید می‌کند که در گذشته زنان در تجارت مشارکت داشتند، ارتش‌ها را رهبری می‌کردند، در مساجد همراه با مردان نماز می‌خواندند، و یا دیده شده که در یک موضوع قضایی خاص در مورد ارزیابی ارزش مهریه خود، با خلیفه مخالفت کرده‌اند. این درحالی است که در همان زمان در اروپا در مورد اینکه آیا زنان روح دارند و یا اینکه آیا آنها جزو شیاطین هستند یا انسان، بحث‌هایی وجود داشت (Yavuz,

9, 2008). گولن به داستان لیدی مونتآگو^۱، که در اوایل قرن هجدهم همسرش را در سفارت او به پایتخت عثمانی همراهی می‌کرد، اشاره می‌کند که از جایگاه زنان در دربار عثمانی تعریف و نقش آنها در جامعه اسلامی را مورد تحسین قرار می‌دهد (See: Andrea, 2006). گولن در جایی می‌گوید:

"حتی زنان محجبه پیشامردن حرم‌های چندهمسری، هم از نظر جنسی و هم از نظر اقتصادی آزادتر از همتایان اروپایی خود بودند. زمانی که لیدی مونتآگو در قرن هجدهم به امپراطوری عثمانی سفر کرد، نوشت که هرگز کشوری را ندیده است که زنان بتوانند از این همه آزادی برخوردار باشند و از همه سرزنش‌ها در امان باشند... در واقع، تا اواخر قرن نوزدهم، زنان انگلیسی همچنان از برتری زنان ترک در تقریباً هر حوزه زندگی اجتماعی، از جمله بهداشت، اقتصاد و حقوق قانونی، گزارش می‌دادند." (Majid, 1998, 335)

در مورد نقش‌های جنسیتی، گولن معتقد است که هیچ مانعی در برابر زنان برای داشتن حقوق و مسئولیت‌های برابر با مردان وجود ندارد؛ با این حال، زنان و مردان از نظر جسمی و عاطفی متفاوت هستند، بنابراین نقش‌های جنسیتی باید با این تفاوت‌ها سازگار باشند. برخلاف دیدگاه محافظه‌کارانه، گولن معتقد است که این تفاوت‌ها نمی‌توانند به عنوان مبنایی برای سلسله مراتب جنسیتی مورد استفاده قرار گیرند. اسلام بین مردان و زنان تمایز قائل نمی‌شود، زیرا هر دو انسان هستند و حقوق اساسی دارند؛ با این حال، از جنبه دیگر، مردان و زنان برابر نیستند، بلکه مانند دو روی یک سکه مکمل یکدیگرند. مردان از نظر جسمی قوی‌تر و برای تحمل سختی‌ها مناسب‌تر هستند، در حالی که زنان دلسوزتر، ظریف‌تر و فداکارتر هستند. بنابراین، مسئولیت مادری به زنان داده شده است، به طوری که آنها به طور طبیعی به اولین پرورش‌دهندگان، مربیان و آموزش‌دهندگان نسل جدید تبدیل می‌شوند. این امر زنان را

^۱ . Lady Montagu

به اولین معلمان بشریت تبدیل می‌کند، که جایگاهی منحصر به فرد است که خداوند به آنها عطا کرده است (Andrea, 2006, 152).

در مورد مسئله چندهمسری، گولن معتقد است که اگرچه این موضوع را پیامبر اسلام (ص) مجاز اعلام کرده است، اما در قرآن یا حدیث هیچ سندی وجود ندارد که اسلام از مسلمان‌ها بخواهد برای انجام یک وظیفه دینی با بیش از یک زن ازدواج کنند. قرآن چندهمسری را فقط در شرایط خاصی مجاز شمرده و در شرایط معمولی تک‌همسری توصیه و تشویق شده است. پس نباید چند همسری را به عنوان یک سنت یا قانونی شرعی تلقی کرد. حتی گولن تا جایی پیش می‌رود که چندهمسری به عنوان یک "سبک زندگی اسلامی" را نفرت‌انگیزترین تحریف اسلام می‌داند. در صورت نبود دلیلی موجه، چندهمسری وسوسه‌ای بیش برای برآوردن خواسته‌های نفسانی نیست. اسلام، به عنوان یک نظام جهانی، چندهمسری را مجاز شمرده تا هیچ زنی تنها و بدون حمایت نماند، بویژه زمانی که در نتیجه جنگ زنان و کودکان‌شان بدون سرپرست و دچار بدبختی، هرج و مرج و سختی‌های بسیاری می‌شدند، این امر بسیار راه‌گشا بود. (Unal and Williams, 2000, 145)

گولن این ایده که اسلام زنان را در قانون، به ویژه در قوانین مربوط به ارث و شهادت در دادگاه، فرو دست تلقی نموده، رد می‌کند. استدلال او این است که زنان مسلمان در مواردی چون آزادی‌های مذهب، بیان، امور مالی، داشتن یک زندگی آبرومند و برابری در مقابل قانون، از حقوق مساوی با مردان برخوردارند. در بحث شهادت، این قاعده که دوشاهد زن برابر با یک شاهد مرد است، اولاً برای شهادت‌های شفاهی و ثانیاً در مورد توافقات مالی و تجاری صادر شده است، چرا که در قدیم معمولاً این نوع اقدامات خارج از حوزه فعالیت اکثر زنان قرار داشت. تازه این قاعده فقط برای زنان اعمال نمی‌شد، بلکه برای بادیه‌نشینانی که به زندگی شهری عادت نداشتند و دانش کمی در مسائل مالی داشتند نیز اعمال می‌شد (Saritoprak and Unal, 2008, 464). در بحث ارث موضوع کاملاً متفاوت بود و هیچ ربطی با فرودستی زنان نداشت، بلکه نصف بودن سهم الارث زنان یک تصمیم مالی بود با

هدف کمک به وراث ذکور تا از امکانات مالی بیشتری برای حمایت از خانواده‌های خود برخوردار باشند (Yavuz, 2008, 11).

در مورد حجاب، گولن آن را در سنت اسلامی برای زنان الزامی می‌داند، با این حال این موضوع هرگز مسأله با اهمیتی نبوده است. وی در این باره می‌گوید:

"در اسلام قوانین رسمی در مورد نحوه آرایش مو، سبک لباس یا هر چیز دیگری مربوط به ظاهر بیرونی وجود ندارد. آنچه در اسلام مهم است این است که پیروان باید هویت اسلامی را ارائه دهند، معنویت آن را تفسیر کنند و زیبایی اسلام را به نحو احسن در زندگی خود به نمایش بگذارند. اسلام به جای وضع قوانین در مورد آنچه باید پوشیده شود، به مردم می‌آموزد که چگونه متواضع باشند." (Gülen, 2004, 122)

از نظر گولن، هر نوع پوششی، چه عمامه، چه ریش و چه حجاب، از "فروع دین" بوده و از اهمیت ثانویه یا پایین‌تر برخوردار است، و کسی که از فروع پیروی نکند کافر نمی‌شود. حجاب و پوشیدن لباس‌های گشاد برای زنان، نه جزو ضروریات ایمان و نه جزو ارکان اسلام است. با وجود توصیه موکد به حجاب برای زنان و ریش و عمامه و ردا برای مردان، رعایت آن از اهمیت ثانویه برخوردار است و نافرمانی از آن بسبب کفر نمی‌شود، پس هیچ‌کس نباید در این جزئیات کوچک غرق شود. (Unal and Williams, 2000, 140)

نقد دیدگاه گولن

با وجود تلاش‌های گولن برای بازتفسیر متون اسلامی به شیوه‌ای حساس‌تر به مسائل جنسیتی، دیدگاه‌های او با انتقاداتی از سوی هر دو دیدگاه سنت‌گرا و نواندیش مواجه شده است. برخی از منتقدان استدلال می‌کنند که تأکید او بر مکمل بودن جنسیت‌ها، هنجارهای پدرسالارانه سنتی را تقویت می‌کند و استقلال و برابری زنان را محدود می‌کند. دیگران اشاره کرده‌اند که بازتفسیرهای او اغلب در پرداختن کامل به نابرابری‌های ساختاری که زنان در جوامع مسلمان با آن مواجه هستند، ناکام می‌ماند. علاوه بر این، تمرکز جنبش گولن بر ایجاد یک "جامعه ایده‌آل" به دلیل اولویت دادن به تحول اجتماعی بر آزادی‌های فردی، به ویژه

برای زنان، مورد انتقاد قرار گرفته است (See: Fougner, 2016). این امر منجر به اتهاماتی شده است مبنی بر اینکه دیدگاه این جنبش در مورد برابری جنسیتی تابع اهداف کلان اجتماعی-سیاسی آن است.

جدول ۲: جنبه‌های کلیدی اندیشه فتح‌الله گولن در مورد حقوق زنان

جنبه	دیدگاه گولن	نقد و چالش	ارتباط با برابری جنسیتی
نقش‌های جنسیتی و مکمل	بر نقش‌های جنسیتی مکمل تأکید می‌کند، به طوری که زنان عمدتاً به عنوان مراقب و مربی هستند.	مورد انتقاد به دلیل تقویت هنجارهای سنتی مردسالارانه و محدود کردن خودمختاری زنان.	تا حدی از برابری جنسیتی حمایت می‌کند و نقش اساسی زنان در جامعه را به رسمیت می‌شناسد.
مشارکت عمومی زنان	تشویق به تحصیلات زنان و مشارکت عمومی در چارچوب مرزهای مشخص.	محدود کننده تلقی شده توسط منتقدان مترقی، که استدلال می‌کنند برای مشارکت کامل مردمی.	ارتقاء برابری جنسیتی محدود از طریق آموزش و خدمات اجتماعی.
بازتفسیر متون دینی	مدافع درک متنی قرآن و حدیث برای مسائل معاصر.	متهم به عدم رسیدگی کافی به نابرابری‌های ساختاری در نقش‌های جنسیتی.	تسهیل بازخوانی و تفسیر مجدد متون اسلامی با رویکرد حساس به جنسیت.

جدول (۲) جنبه‌های کلیدی تفکرات گولن در مورد حقوق زنان، دیدگاه‌های او، انتقاداتی که با آن مواجه است، و پیامدهای آن برای برابری جنسیتی را برجسته می‌کند. این جدول بر پیچیدگی دیدگاه‌های او و پتانسیل آن‌ها برای ترویج برابری جنسیتی در چارچوب اسلامی تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله نشان دادیم که گفتمان حقوق زنان در اسلام در طول زمان به طور چشمگیری تکامل یافته و محققان و جنبش‌های مختلفی در بازتفسیر آن سهم بوده و فتح‌الله گولن، چهره برجسته‌ای در این گفتمان بوده است. در حالی که دیدگاه‌های او در مورد جنسیت و حقوق زنان در معرض تفاسیر گوناگونی قرار گرفته است، اندیشه‌های او هم به دلیل عناصر مترقیانه‌اش مورد ستایش قرار گرفته و هم به دلیل رگه‌های محافظه‌کارانه‌اش مورد انتقاد واقع شده است. ما در اینجا به بررسی درک گولن از حقوق زنان در اسلام پرداختیم و دیدگاه‌های او را در مورد نقش‌های جنسیتی، مشارکت عمومی زنان و بازتفسیر متون اسلامی برای انطباق با تحولات معاصر بررسی کردیم. بر اساس نوشته‌های او، حضور زنان در بافت اخلاقی و اجتماعی جامعه ضروری است، اما نقش آنها اغلب به حوزه خصوصی محدود می‌شود. گولن بر ماهیت مکمل نقش‌های جنسیتی تأکید، و استدلال می‌کند که مردان و زنان با خلق و خو و مسئولیت‌های طبیعی متفاوتی آفریده شده‌اند. او زنان را در درجه اول به عنوان مراقب و مربی در خانواده می‌بیند که مسئول پرورش نسل بعدی هستند. با این حال، دیدگاه‌های گولن کاملاً ایستا نیست، آموزه‌های او در طول زمان، به ویژه در پاسخ به تغییر زمینه‌های اجتماعی، تکامل یافته است. به عنوان مثال، او اهمیت تحصیل زنان و مشارکت آنها در زندگی عمومی را، البته در چارچوب مرزهای معین، پذیرفته است. این تغییر نشان دهنده یک رویکرد عمل‌گرایانه به نقش‌های جنسیتی است و به زنان اجازه می‌دهد در آموزش و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند.

دیدگاه گولن در مورد نقش‌های عمومی زنان پیچیده است و تفسیرهای گوناگونی از آن شده است. از یک طرف، او زنان را به مشارکت در آموزش و فعالیت‌های اجتماعی تشویق کرده و پتانسیل آن‌ها را برای کمک به توسعه جامعه به رسمیت می‌شناسد. از طرف دیگر، دیدگاه‌های وی در مورد نقش‌های عمومی زنان اغلب با درک او از مکمل بودن جنسیت محدود می‌شود. او معتقد است که مسئولیت اصلی زنان در خانواده است و فعالیت‌های عمومی آن‌ها نباید نقش‌های خانوادگی آن‌ها را به خطر بیندازد. تعارض میان نقش‌های خصوصی و عمومی زنان، بازتاب دهنده یک بحث گسترده‌تر در اندیشه اسلامی در مورد حوزه‌های مناسب برای مشارکت زنان است. در حالی که او بر اعتبار قرآن و حدیث تأکید دارد، از درک متنی آنها نیز حمایت می‌کند و اجازه می‌دهد تا با توجه به واقعیت‌های اجتماعی معاصر، مورد تفسیر مجدد قرار گیرند. این رویکرد به ویژه در بحث‌های او در مورد مسائلی مانند چندهمسری، طلاق و نقش‌های رهبری زنان مشهود است. بازتفسیر متون اسلامی اغلب بر اصول اخلاقی و معنوی زیربنای وحی تأکید دارد، نه تفسیرهای لغوی. به عنوان مثال، او استدلال می‌کند که تأکید قرآن بر عدالت و برابری باید راهنمای تفسیرهای مدرن از نقش‌های جنسیتی باشد و امکان رفتار عادلانه‌تر با زنان را در زمینه‌هایی مانند ارث، طلاق و مشارکت عمومی فراهم کند. وی استدلال می‌کند که وخامت حقوق زنان در بسیاری از کشورهای اسلامی هیچ ارتباطی با ماهیت اسلامی آنها ندارد، بلکه به ماهیت مردسالارانه آنها مربوط می‌شود. اسلام در زمان نزول، حقوق انقلابی متعددی را برای زنان معرفی کرد. از آنجایی که قرآن تأکید زیادی بر حق دادخواهی و وظیفه برقراری عدالت دارد و از آنجایی که هدف اول شریعت حفظ عدالت و دفاع از منافع عمومی است، تمام ابزارهای دستیابی به عدالت و منافع عمومی، ماهیتی اسلامی دارند. نتیجه آنکه اندیشه گولن در مورد حقوق زنان در اسلام، نمایانگر دیدگاهی ظریف و در حال تکامل است که به دنبال ایجاد تعادل بین ارزش‌های سنتی اسلامی و تغییرات اجتماعی معاصر در جامعه ترکیه است. در حالی که دیدگاه‌های او در

معرض تفسیرها و انتقادات مختلف قرار گرفته است، آنها نشان دهنده روند گسترده‌تری در تفکر اسلامی برای تفسیر مجدد متون مذهبی با توجه به تغییر زمینه‌های اجتماعی است.

منابع و مأخذ:

الف) منابع فارسی:

- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۷) *دایره‌های ترس: زنان در گفتمان دینی*، ترجمه ادريس امینی، تهران: نگاه معاصر.
- احمد، لیلا (۲۰۱۲). *زنان و جنسیت در اسلام، ریشه‌های داخلی جدال امروزی*، مترجم: فاطمه، صادقی؛ لندن: نشر زنان و قوانین در جوامع مسلمان.
- ارکون، محمد (۱۳۹۲) *تاریخ‌مندی اندیشه اسلامی*، ترجمه رحیم حمداوی، تهران: نگاه معاصر.
- بدره، محسن (۱۳۹۵) «بررسی روش شناختی جریان موسوم به فمینیسم اسلامی و نقد آن با رویکردی اجتهادی»، *رساله دکتری رشته مطالعات زنان*، دانشگاه تربیت مدرس.
- جوادی آملی، عبد... (۱۳۸۸). *زن در آینه جلال و جمال*، قم: نشر اسراء.
- حایک، مریم، آقاحسینی، علی‌رضا، علی‌حسینی، علی (پاییز ۱۴۰۰) «تعارض میان هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی: مسئله یا جنبش اجتماعی؟»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ش. ۶۴، صص. ۸۱-۱۱۴.
- داودی، علی‌اصغر، حاجی‌وثوق، ندا (۱۳۷۹). «چارچوب‌های معرفتی - روشی نواندیشی اسلامی در نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان: مورد مطالعه محسن کدیور و محمد مجتهد شبستری»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۳، شماره ۴.
- داودی، علی‌اصغر، حاجی‌وثوق، ندا (پاییز ۱۳۹۲). «مناقشات فمینیستی خاورمیانه در گردونه گذار از اسلام‌گرایی به پسااسلام‌گرایی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱۱۳.

- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). «قبض و بسط حقوق زنان»، *ماهنامه زنان*، دوره ۸، شماره ۵۹.
- طباطبائی، هادی (۱۳۹۷) *حدیث نو/اندیشان دینی*، تهران: کویر.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۸). «نواندیشی دینی و فقه زنان»، *ماهنامه زنان*، دوره ۸، شماره ۵۸.
- فنائی، ابوالقاسم (۱۳۹۵) *دین در ترازوی اخلاق*، تهران: چ.چهارم، صراط.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۸) *رفع تبعیض از زنان: مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین ایران*، تهران: نشر قطره.
- کدیور، محسن (۲۰۰۴) «بازخوانی حقوق زنان در اسلام، عدالت مساواتی به جای عدالت استحقاقی»، ارائه شده در: *چهارمین سمپوزیوم حقوق زنان در دانشگاه بروکسل*.
- کدیور، محسن (۱۳۸۲). «نواندیشی دینی و حقوق زنان»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۴۷.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸). «زنان، کتاب و سنت»، *ماهنامه زنان*، دوره ۸، شماره ۵۷.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۶) *نقد بنیادهای فقه و کلام*، نسخه الکترونیکی.
- مرادی، مجید (آذر ۱۳۸۷) «نواندیشی دینی و زن»، *مجله آئین*، ش. ۱۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲) *حقوق زن در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). «نواندیشی دینی و مسأله زنان»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۴.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۰) *راهی به راهی*، تهران: نگاه معاصر.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹) *مباحثی در حقوق زنان*، تهران: نشر اطلاعات.
- میراحمدی، منصور، رضایی پناه، امیر (زمستان ۱۳۹۴). «گفتمان اسلام گرایی فرهنگی فتح الله گولن»، *اطلاعات سیاسی/اقتصادی*، شماره ۳۰۲.
- هدایت زاده، محمد صادق (۱۳۹۷) «جریان شناسی رویکرد فمینیسم اسلامی و تحلیل و ارزیابی آن»، *رساله دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه فردوسی: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

- ودود، آمنه محسن (۱۳۹۴). قرآن و زن: بازخوانی و تفسیر متن مقدس قرآن از منظر یک زن، ترجمه آتنا بهادری و
 • وسمقی، صدیقه (۱۳۸۷) زن، فقه، اسلام، تهران: صمدیه.
 • یزدخواستی، بهجت (۱۳۷۲) زنان و تغییرات اجتماعی، تهران: نشر نی.

ب) منابع لاتین:

- Andrea, Bernadette (2006) "Women and Their Rights: Fethullah Gülen's Gloss On Lady Montagu's "Embassy" to the Ottoman Empire," Robert A. Hunt & Yüksel A. Aslandoğan (Eds) Muslim Citizens of the Globalized World. Somerset, NJ: The Light, Inc & IID Press.
- Bulaç, Ali (2006), "The Most Recent Reviewer in the 'Ulema Tradition: The Intellectual ' Fethullah Gülen," Robert A. Hunt & Yüksel A. Aslandoğan (Eds) Muslim Citizens of the Globalized World. Somerset, NJ: The Light, Inc & IID Press.
- Fougner, Tore (2016) Fethullah Gülen's understanding of women's rights in Islam: a critical reappraisal, *Turkish studies*, DOI: 10.1080/14683849.2016.1245582.
- Gülen, M. Fethullah (1996). Towards the Lost Paradise. London: Truestar.
- Gülen, M. Fethullah (1996). *Towards the Lost Paradise*. London: Truestar.
- Gülen, M. Fethullah (2000). *Pearls of Wisdom*. Somerset: Light.
- Gülen, M. Fethullah (2004). *Towards a Global Civilization of Love and Tolerance*. Somerset: Light.
- Gülen, M. Fethullah (2005). "An Interview with Fethullah Gülen." *The Muslim World* 95, no. 3 ,pp. 447–467. doi:10.1111/j.1478-1913.2005.00104.x
- Gülen, M. Fethullah (2005). *The Messenger of God, Muhammad: An Analysis of the Prophet's Life*. Somerset: Light.

- Gülen, M. Fethullah (2007). "Questions and Answers." *Fountain Magazine*, no. 57.
- Gülen, M. Fethullah. "Compassion." *Fountain Magazine* no. 63 (2008).
<http://www.fountainmagazine.com/Issue/detail/Compassion-898>.
- Gülen, M. Fethullah (2010). *The Essentials of the Islamic Faith*, Clifton: Tughra.
- Gülen, M. Fethullah (2011). *Questions and Answers About Islam*, Vol. 1. Somerset: Tughra.
- Gülen, M. Fethullah (2011). *Questions and Answers About Islam*, Vol. 2. Somerset: Tughra.
- Gülen, M. Fethullah (2011). *Speech and Power of Expression: On Language, Esthetics, and Belief*. Somerset: Tughra.
- Hansen, Suzy. "The Global Imam." *The New Republic*. November 10, 2010.
<http://www.newrepublic.com/article/world/magazine/79062/global-turkey-mamfethullah-gulen>.
- Keleş, Ozcan (2007), "Promoting Human Rights Values in the Muslim World: The Case of the Gülen Movement," *Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement: International Conference Proceedings*, London: Leeds Metropolitan University Press, 2007.
- Kılınç, Ramazan (2007) "The Patterns of Interaction between Islam and Liberalism: The case if the Gülen Movement," *Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement: International Conference Proceedings*, London: Leeds Metropolitan University Press.
- Knowlton, Brian. "Turk Who Leads a Movement Has Advocates and Critics." *New York Times*, June 11, 2010.

<http://www.nytimes.com/2010/06/12/us/12ihtgulen.html?pagewanted=all& r=0>.

- Majid, Anouar (Winter 1998), "The Politics of Feminism in Islam," *Signs* 23, no. 2: pp. 335-6.
- Saritoprak, Zeki and Unal, Ali (2008) "An Interview with Fethullah Gülen" *The Muslim World*, Special Edition, (Hartford, Conn: Published by the Duncan Black Macdonald Center at the Hartford Seminary Foundation).
- Unal, Ali and Williams, Alphonso (2000) *Advocate of Dialogue: Fethullah Gülen*. Fairfax, Virginia: The Fountain.
- Yavuz, M. Sait (November 2008) "Women in Islam: Muslim Perspectives and Fethullah Gülen," presented in the conference: *Islam In The Age of Global Challenges: Alternative Perspectives of The Gülen Movement*, held on November 14-15, 2008 at Georgetown University, Washington, D.C.